



شماره ثبت: ۲۵۵۳

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۲	استماع غیبت.....
۲	۱. تفاوت سماع و استماع.....
۲	۲. مراتب اختیار.....
۳	ادله حرمت استماع.....
۳	بررسی ادله خاصه.....
۳	روایت اول.....
۳	بررسی روایت از لحاظ سند.....
۳	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۳	نکته.....
۴	روایت دوم.....
۴	مبحث اخلاقی: ویژگی های انسان های وارسته.....



استماع غیبت

مبحث بیست و دوم غیبت، استماع غیبت است. چیزی که مشهور است و ادعای اجماع بر آن شده است، استماع غیبت از محرمات است. ظاهر کلام مرحوم شهید و شیخ (ره) همین امر است.

اما کسانی از متأخرین در این مسئله تردید کردند. مثل آیت الله خویی (ره) که در این مسئله تردید کردند. مرحوم تبریزی (ره) نیز این تردید را قبول کردند.

این تردیدها باعث شده است که فتوا احتیاط واجب داده باشند.

قبل از اینکه وارد ادله بشویم نکاتی را بیان می‌کنم.

۱. تفاوت سماع و استماع

سماع و استماع به لحاظ لغوی تفاوت دارند. سماع یعنی چیزی به گوش رسیدن، اما استماع یعنی خود شخص به دنبال شنیدن باشد و شنیدن را انتخاب بکند و دنبال کند. بین این دو عموم و خصوص من وجه است. سماع هم شنیدن با اختیار را شامل می‌شود و هم شنیدن بدون اختیار را شامل می‌شود. اما استماع در جایی است که دنبال می‌کند.

ممکن است سماع و استماع را قسیم هم بدانند. سماع را بدون اختیار قلمداد می‌کنند و استماع با اختیار است. در نتیجه می‌توانیم بگوییم سماع دو معنا دارد: عام و خاص.

تفاوت این‌ها در بحث فقهی مهم نیست. زیرا اگر بگویید استماع حرام است به این معنی است که انسان با اختیار به سخنانی گوش کرده است. اگر هم بگویید سماع حرام است، چون حرمت و احکام تعلق به احکام اختیاری می‌گیرند در موردی که اختیار نباشد، حرمت شامل آن نمی‌شود. در روایات هرگاه سماع یا استماع می‌آید در جایی است که اختیار وجود داشته باشد.

۲. مراتب اختیار

اختیار دارای درجاتی است. یک اختیار درجه یک است که آگاهانه و آزادانه انتخاب می‌کند. اما ممکن است گاهی یک چیزی به گوش کسی بخورد ولی شخص بایستد تا ادامه آن را گوش کند. در درجه عقاب محرمات، درجه اختیار دخیل‌اند.



ادله حرمت استماع

در اینجا در دو بخش می‌توانیم بحث بکنیم. یکی ادله‌ی خاصه است و دیگری ادله عامه است.

بررسی ادله خاصه

در اینجا روایاتی وجود دارد که همه ضعیف هستند.

روایت اول

عمده این روایت در مستدرک است. در وسائل در ابواب احکام عشرت باب ۱۵۶ روایاتی نیز آمده است.

«وَفِي الْإِخْتِصَاصِ، قَالَ: نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِلَى رَجُلٍ يَغْتَابُ رَجُلًا عِنْدَ الْحَسَنِ ابْنِهِ ع فَقَالَ يَا بُنَيَّ نَزَّهَ سَمْعَكَ عَنْ مِثْلِ هَذَا فَإِنَّهُ نَظَرَ إِلَيَّ أَحَبُّتُ مَا فِي وَعَائِهِ فَأَفَرَّغَهُ فِي وَعَائِكَ.»^۱

حضرت علی (ع) به امام حسن (ع) می‌گوید: گوشت را از غیبت محافظت کن، زیرا شخص غیبت کننده کثافات روحش را در روح تو می‌ریزد.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت سندی ندارد. البته باید بدانیم که این از مراسلات جازمه است. بعضی این مراسلات جازم را معتبر می‌دانند. آیت‌الله بروجردی و فاضل لنکرانی قائل به این نظرند. ولی ما مراسلات را قبول نداریم.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت امر به اجتناب است که درواقع همان نهی است. نهی نیز دلالت بر حرمت دارد.

نکته

امام حسن (ع) در اینجا با اختیار سماع نکرده‌اند. این باعث کنار گذاشتن این روایت نمی‌شود.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۳۲.



شماره ثبت: ۲۵۵۳

روایت دوم

«وَفِي كِتَابِ الرُّؤْيَا، عَلَى مَا فِي مَجْمُوعَةِ الشَّهِيدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: الْغَيْبَةُ كُفْرٌ وَالْمُسْتَمْعُ لَهَا وَالرَّاضِي بِهَا مُشْرِكٌ قُلْتُ فَإِنْ قَالَ مَا لَيْسَ فِيهِ فَقَالَ ذَلِكَ بُهْتَانٌ.»^۱

در اینجا نیز می‌فرمایند: غیبت کفر است. (این کفر نشان‌دهنده حرام مؤکد است) کسی که گوش بدهد و یا راضی به آن غیبت باشد، مشرک است.

این روایت از لحاظ سند بسیار ضعیف است.

اما این روایت دلالت خوبی دارد.

مبحث اخلاقی: ویژگی‌های انسان‌های وارسته

این روایت در باب احکام عشرت است، در باب بیست است.

روایت ششم این باب، دو سند دارد. یکی مرسله جازم است. اما همین روایت را شیخ صدوق در امالی بیان کردند و با سند معتبر بیان کردند.

«حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثٍ خِصَالٍ النَّظَرِ وَالسُّكُوتِ وَالْكَلَامِ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهُوٌ وَكُلُّ سَكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَكُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَغْوٌ فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ نَظَرُهُ عَبْرًا وَسُكُوتُهُ فِكْرًا وَكَلَامُهُ ذِكْرًا وَبَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ وَآمَنَ النَّاسُ شَرَّهُ...»^۲

۱- همان، ص ۱۳۳.

۲- امالی صدوق، نص، ص ۲۷.



شماره ثبت: ۲۵۵۳

امام (ع) می‌فرمایند: خوبی‌ها در سه چیز وجود دارد. نظر، سکوت و کلام. نظری که خیر در آن جمع است، نظری است که با اعتبار باشد. نگاهی که باعث پندآموزی باشد. نقطه‌ی مقابل آن این است که هر نگاهی که در آن اعتبار نباشد، سهو است.

در کلام نیز چنین است. هر سخنی که یاد خدا و ذکر نباشد، لغو است. سکوتی که در آن تأمل نباشد، غفلت است. انسانی که روایت تصویر می‌کند این است که کلامش جز ذکر خدا نیست. سکوت بی‌حساب و کتاب نمی‌کند. این یک درجه بالایی است.

نگاه این شخص، عبرت‌آموزی است. در سکوت وی اندیشه است. و در کلامش، ذکر است. اگر تفکر و ذکر وجود داشته باشد، نتایجی دارد:

گریه بر خطا، نتیجه نفس قوی است. در چشمی که اشک وجود ندارد، یک ایرادی دارد.